

هنر ریزش بوسید خط

دکتر عسبر بنام استاد زنگنه

در تمام دنیا خط وسیله‌ای برای فهماندن مطالبیست که در مغز انسان خطور میکند. در کشور ما که همه چیز را با شعر و هنر همراه میکنیم خط را نیز بصورت یک رشته هنری بسیار زیبایی در آورده‌ایم بطوریکه اشخاصی مانند هلندیها و فرانسویها یا امریکائیها، که کوچکترین اطلاعی از خط ما ندارند، صفحات خوشنویسان ما را بقیمتهای گزاف میخرند و آنها را زینت خانه‌های اروپائی و امریکائی خود میخمایند.

در عهد اشکانیان و ساسانیان هنرمندان ایرانی برای تزئین در و دیوار کاخ‌های امرا و پادشاهان از گچ بریها استفاده میکردند.

نمونه‌هایی از این گچ بریها در خرابه‌های تیسفون پیدا شده و بموزه برلن نقل گردیده. تعداد دیگری نیز در خرابه‌های قدیم شهر آشور از زمان اشکانیان کشف گردیده. در موزه ایران باستان نیز مقدار گچ بری که از کاخی از عهد ساسانیان در دامغان کشف گردیده، محفوظ میباشد. این گچ بریها نشان میدهد که در عهد اشکانیان و ساسانیان هنرمندان ایرانی از ایجاد نقوش هندسی و مصنوعی لذت میبرده‌اند. و باصطلاح نقاشان امروزی «آبستره» کار میکرده‌اند.

اگر می‌بینیم پس از انقراض دولت ساسانی برای تزئین دیوار کاخهای امرا و بزرگان خط جای نقوش هندسی را گرفت برای این نیست که دین اسلام راجع باین موضوع دستوری داده باشد، بلکه فقط برای این است که هنرهای تزئینی کشور ما بدون توجه بتغییرات سیاسی و مذهبی راه تکامل خود را میپیموده است و هنرمندان ما در نتیجه آشنائی با خط عربی این فکر بنظرشان رسید که میتوانند از آن برای تزئین دیوارهای خود استفاده کنند و شاید از نقش خطوط هندسی و آبستره خسته شده بودند و مترصد بودند که موضوع تازه‌ای برای تزئین دیوارهای خود پیدا کنند و این موضوع تازه را در خط عربی یافتند. چون کلمه

چرا خارجیا بدون آنکه اطلاعی از زبان فارسی داشته باشند صفحات خوشنویسان ما را میخرند؟ چگونه ذوق لطیف ایرانی خط را بعنوان یک عامل تزئینی مورد استفاده قرار داده است؟

فرانسوی «آبستره» امروز در میان مردم معمول شده در اینجا بکار برده شد و مقصود از نقش «آبستره» نقشی است که برای ایجاد آن از طبیعت تقلید نشده و بهیچ چیزی در طبیعت شبیه نیست جز بخطوط منحنی یا شکسته‌ای که نماینده خیال و فکر هنرمند است .

شاید بتوان کلمه «آبستره» را بواژه‌های معنوی یا غیرمادی یا مصنوعی و تخیلی ترجمه کرد . موضوع مهم این است که این نقش «آبستره» یا خیالی و مصنوعی زائیده فکر هنرمندان ایران است و تحولاتی که در دوره اسلامی پیدا کرده بهیچ وجه مربوط بدین اسلام نیست .

مثلاً نقش قالی از ابتدا در ایران خیالی و مصنوعی بوده . در حقیقت قالی باف خواسته است روی قالی خود باغ و درختان و گل و بلبل را نشان دهد و بجای آن مقداری خطوط منحنی و شکسته را طوری نشان داده و بطرفی رنگ آمیزی نموده که برای چشم لذت واقعی دارد . درباره خط نیز همین رویه انجام گرفته و آنرا برای استفاده در تزئینات بکار برده‌اند .

روی نوشته‌های آرامگاه داریوش اول در نقش

رستم آثاری از رنگ آبی لاجوردی دیده شده و این نشان می‌دهد که در اصل این نوشته‌ها رنگ آبی داشته‌اند . می‌گویند کتاب اوستا روی پوست گاو با خط زرین نوشته شده بود . کتب مانی نیز طبق گفته محققان اوایل دوره اسلامی با خط زرین نوشته می‌شده .

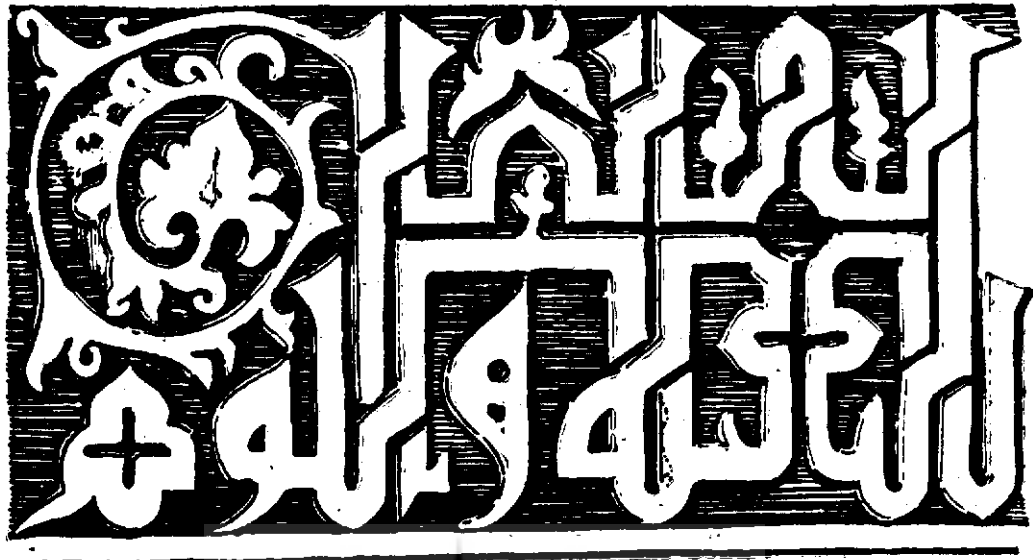
یکی از قدیمترین نمونه خط کوفی گل‌دار که در کشور ما وجود دارد ، و بخوبی نشان می‌دهد چگونه از خط برای تزئین بنا استفاده شده ، نوشته‌های مسجد جامع نائین است که بتاريخ ۲۸۸ هجری مورخ می‌باشد . (شکل ۱)

در این نوشته‌ها ابتدا و انتهای حروف با نقوشی شبیه بیرگ خرما تزئین شده و باین طریق خواندن آن کار آسانی نیست .

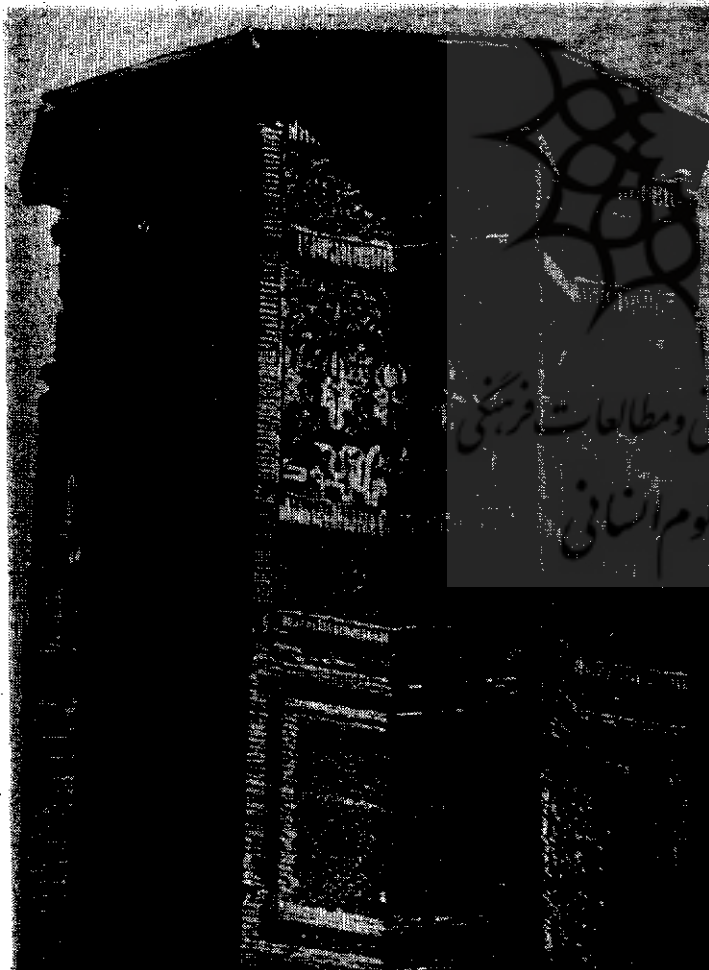
کتیبه مسجد نائین بطریق زیر خوانده میشود :
امن بالله والیوم .

دویست سال بعد در مسجدی در زنگبار که بوسیله ایرانیانی که بآن کشور مهاجرت کرده بودند ساخته شده ، همین کتیبه با تزئینات بیشتر و پیچ و خم‌های زیادتر ، زینت دیوار گردیده . خواندن کتیبه زنگبار بسیار





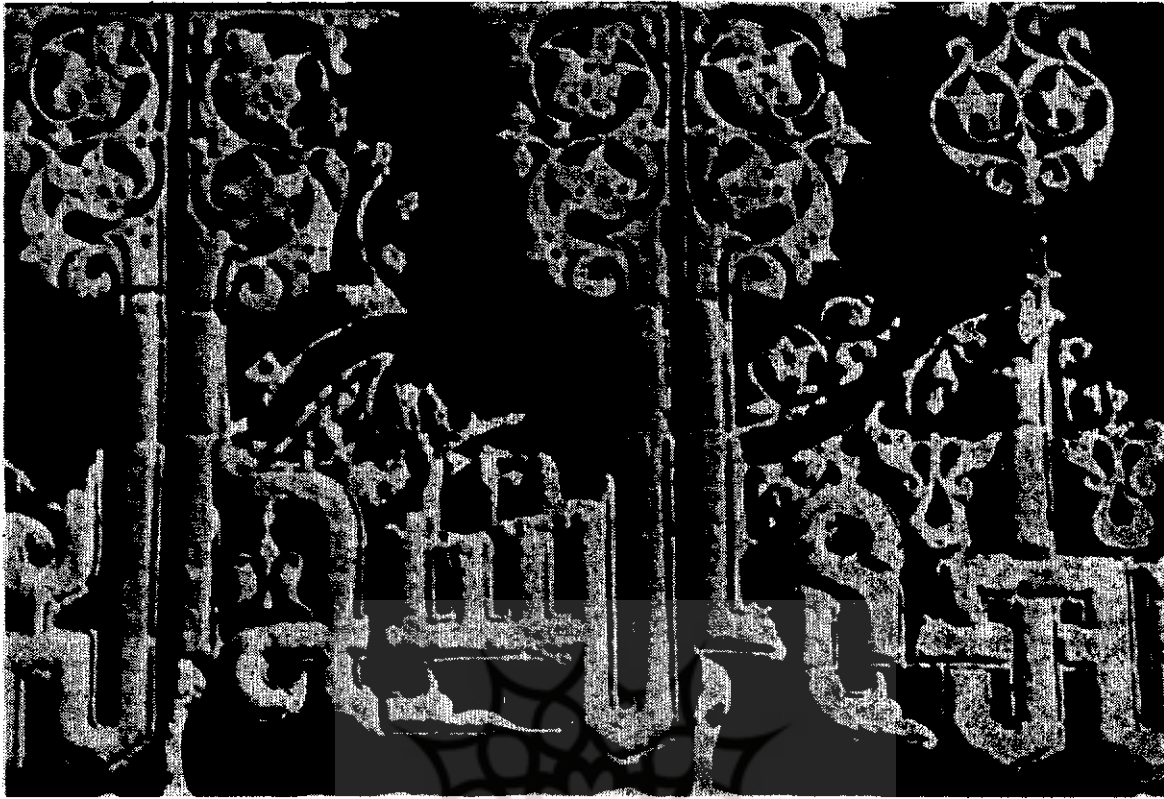
ش ۲ - کتیبه زنگبار که تحول خط کوفی را بعد از دو قرن نشان میدهد



مشکل تر از قرائت کتیبه نائین است و تحول خط کوفی را در عرض دو قرن نشان میدهد (شکل ۲).

تقریباً یکصد سال بعد از مسجد زنگبار در روی دیوار برجی که بافتخار سلطان مسعود سوم (۴۶۲-۵۰۷ هجری) ساخته شده کتیبه زیبایی، مخلوط با نقوش هندسی، بشیوه کاخ اشکانی در مشطه روی آجر تراشیده شده (شکل ۳)، که بمنزله یکی از شاهکارهای هنر خط نویسی روی ابنیه میباشد و قابل مقایسه با کتیبه مدرسه نظامیه در خارگرد است که بنام نظام الملك

ش ۳ - برج سلطان مسعود سوم در غزنه



ش ۴ - کتیبه مسجد جامع خارگرد بنام نظام الملک

ساخته شده. (شکل ۴)

بشقابهایی از نیشابور بدست آمده (شکل ۵) و نمونه‌های متعدد از آن در موزه ایران باستان موجود است. خط بشقابی که در صفحه مقابل دیده میشود بطریق زیر خوانده میشود: « النجم اوله متر مذاقته لکن آخره احلا من العسل » (شکل ۶) و در نمونه دیگری « لصاحبه برکة و یمن و سرور ».

بنابراین هنرمندان ایران از خط عربی بانواع مختلف در روی دیوار مساجد و سردرها و درهای چوبی و بشقاب‌های سفالین و اشیاء دیگر استفاده نموده‌اند. بصورت تزئین زیبایی در آورده‌اند و این یکی از خصوصیات است که هنر ایران را از هنر کشورهای دیگر اسلامی متمایز مینماید.

در عهد اشکانیان و ساسانیان تزئینات دیوارها و درهای کاخ‌ها روی گچ تراشیده میشد. در دوره اسلامی نیز سوره‌های قرآن یا نام سازندگان مساجد یا تاریخ بنای آن روی گچ تراشیده شد. بنابراین در سبک کار تغییری حاصل نشد. فقط موضوع تزئینات عوض شد. این مطلب از مقایسه نوشته‌های مسجدها معلوم نائین با تزئینات کاخ تیسفون یا «مشطه» بخوبی معلوم میگردد. این شیوه خط‌نویسی با تراش آجر کاملاً متناسب بود و طبعاً خطوط بصورت افقی یا عمودی در می‌آمدند و در کتیبه‌ها خط منحنی دیده نمیشد. نظایر این خطوط در قرن سوم هجری در روی



ش ۵ - ظرف گلی لعابدان نیشابور
در قرن سوم

ش ۶ - ظرف گلی لعابدان نیشابور در قرن سوم

